

هدایت نوجوانان به سوی نماز

مؤلف: علی قائمی

ناشر: ستاد اقامه نماز

نوبت چاپ: نهم

تاریخ چاپ: پاییز ۱۳۸۵

چاپ: شرکت چاپ و نشر بازرگانی

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

مقدمه

از مهمترین فصول مربوط به حیات انسان فصل مربوط به دوران نوجوانی او، شامل مرز سنی ۱۸-۱۲ است، مرحله‌ای که آغاز آن، پایان دوران کودکی، و نهایت و خاتمیت آن آغاز جوانی و وصول به مرحله کامل مردی یا کامل زنی است.

این مرحله را از مبهم‌ترین مراحل حیات در جنبه شناخت ابعاد جسمی، روانی و عاطفی، و دشوارترین مراحل از نظر سازگاری انسان ذکر کرده‌اند.[۱] ضمن اینکه این دوره از رشد و زندگی، متضمن بحرانی هیجانی، تحولی اخلاقی و دگرگونی و تغییری عظیم در شخصیت است.

[صفحه ۱۰]

روانشناسان رشد، حتی آنانکه در زمینه بلوغ و نوجوانی کار کرده‌اند با نقاط مبهم متعددی از شخصیت و روان نوجوان خود را مواجه دیده‌اند و آن را دورانی آشفته و تحمل آن را از دید مریبان مشکل معرفی کرده‌اند. تغییرات جسمی، و به همراه آن دگرگونی‌های روانی در نوجوان سریع و همراه با احساساتی است [۲] که اغلب بعد شخصی و سلیقه‌ای دارند، و طبیعی است که مربی را در برابر نوجوانان متعدد، مخصوصاً با فرهنگهای متفاوت به نوعی تردید و ناآگاهی در تصمیم‌گیری بکشاند و او در برخورد با نوجوان خود را با مسائل و مشکلاتی مواجه ببیند که همه گاه قادر به حل و رفع آن نیست.

دامنه آن تحولات وسیع و جنبه‌های قابل مشاهده و دریافت آن عبارتند از: دگرگونی در خلق و خوی، رفتار نامتعادل، گریز از تکالیف رسمی، امتناع از پذیرش مسئولیت، زمانی فرار از مدرسه، سرکشی و عصیان، مخالفت بزرگتران و حتی ترک وظایف تحصیلی، مذهبی، خانوادگی و یا سرعت در تصمیم‌گیری‌ها، یا سرعت در راندن و... [۳].

[۱] تعلیم و تربیت و مراحل آن صفحه ۱۷۸.

[۲] سیری در بلوغ صفحه ۵.

[۳] نوجوانی - دکتر جعفر کرمانی صفحه ۴۹.

دوران بیداری‌ها

دوران نوجوانی مصاف است با بروز بیداری‌های متعدد که

[صفحه ۱۱]

هر کدام آنها می‌توانند زمینه و منشائی برای رشد و سعادت، و در صورت عدم هدایت آنها موجب بدبختی‌ها و سقوطهایی باشند. مهمترین آنها عبارتند از:

بیداری فطرت

شاید در هیچ مرحله‌ای از عمر (جز سه سال اول زندگی) فطرت به این اندازه بیدار و هشیار نباشد. در آغاز زندگی، فطرت همانند منبعی زلال چنان در روان و سراسر وجود کودک بیدار است که گوئی همچون پیامبری معصوم است و با جهان وحی مستقیماً در ارتباط. جز سخن راست از او نخواهی شنید و جز امانت و عدالت از او سر نمی‌زند. فطرت پاک خدائی او را در خود شناور و سیراب می‌سازد.

در مراحل بعد، به علت تربیت غلط، محیط معاشرتی نامناسب، شیوه‌های رفتاری ناصواب مدل‌ها و الگوها، توقعات نامتناسب با ظرفیت روانی طفل و...، فطرت در زیر توده‌هایی از ابرها و غبارهای گوناگون مخفی شده، خورشید آن از یرتوافکنی باز می‌ماند. وضع چنان است که گوئی فطرت او به خوابی سنگین فرو رفته است.

در دوران نوجوانی، شرایط و امکاناتی پدید می‌آید که گرد و خاک روی فطرت به کناری می‌رود و آن خورشید از نو یرتوافکن می‌شود. نوجوان چنان می‌شود که گوئی سطلی آب سرد بر سر و روی فطرت او ریخته و بیدارش ساخته. که باید از این بیداری استفاده کرد.

بیداری مذهب

بر طبق دعاوی صاحب‌نظران و هم بر اساس آزمایش‌های بعمل آمده ایمان به مذهب از ۱۲ سالگی آغاز می‌شود و البته در اشخاص سالم و طبیعی، ایمان به حقایق یعنی احتیاج به پرستش، با سنین عمر شدید می‌شود. [۱] دانشمندی چون گزل که متخصص مسائل نوجوانان است اوج و شکوفائی آن را در سنین ۱۶-۱۴ می‌داند. و عالمی چون موریس دبس، شروع جهش مذهبی (حس مذهبی) را آغاز بلوغ می‌شناسد. [۲] دیگران حتی دانشمندان، ماتریالیست هم چنین اعتقادی را در مورد نوجوانان دارند و از حس ماوراء طبیعی در آنان حرف می‌زنند. [۳].

این بیداری در نوجوان عاملی برای رشد معنوی و اخلاقی و موجبی برای پیشگیری‌هاست. به گفته عالمی وضع چنان است که گوئی خداوند حکیم بصورت پیشگیری قبل از بروز طوفان و طغیان غرائز، وسیله مهار کردن آن را در انسان آماده کرده است. [۴].

[۱] شادکامی، صفحه ۴۰.

[۲] بلوغ صفحه ۱۱۸.

[۳] ماکارنکو مربی روسی.

[۴] جوان ج ۱ صفحه ۳۷۵.

بیداری جهان‌بینی

در این مرحله از عمر دید و بینشی خاص نسبت به جهان در نوجوان پدید می‌آید. ممکن است او به مدرسه رفته نباشد و حتی علم و تجربه‌ای از کتاب بدست نیاورده باشد، ولی وضع او

[صفحه ۱۳]

چنان است که گوئی با دیدی دیگر پدیده‌ها را می‌بیند، و یا پدیده‌های دور و بر با او از رمز و راز پیدایش و فرجام خود سخن می‌گویند.

جهان‌بینی او عوض می‌شود، زندگی برای او زیبایی و عظمتی مخصوص پیدا می‌کند. دید او به اشیا با آنچه که در دیروز بود کاملاً متفاوت است. این بیداری هم سببی برای جهان‌شناسی عمیق‌تر و روی آوردن به علم و فرهنگ است و هم وسیله‌ای برای سوق دادن او به سوی خالق اشیا و آفریدگار علی‌الاطلاق و در نتیجه احساس نیاز به پرستش و نیایش او.

بیداری وجدان

وجدان عبارت از نوعی خودآگاهی درونی و یا نیروی درک مهمات رذائل و فضائل است. در برابر اعمال پسندیده آدمی خرسندی و رضا و در برابر اعمال ناروای انسان نوعی خودداری و خود سرزنشی دارد و بدینسان برای آن نقشی چون نقش قاضی محکمه قائلند.

در سنین نوجوانی، وجدان بیدار می‌شود و در درونش محکمه‌ای تشکیل می‌گردد. خود برای خویشتن قاضی و داور است. اگر گناه و خطائی مرتکب شود خود را سرزنش می‌کند و حتی ممکن است برای خود کیفری و عقوبتی، مثل ترک لذت، تحمل رنجها و... قائل شود. و می‌بینیم که این بیداری خود از عنایات لطیف الهی و عاملی برای خود کنترلی است.

بیداری رغبت به تعالی

شاید در هیچ مرحله‌ای از رشد، آدمی بدین میزان که در دوران نوجوانی است خواستار پیشرفت و تعالی نباشد. او می‌خواهد شرایط و امکاناتی پدید آید، که حتی کار نکرده و زحمت نکشیده او به مرحله آقائی رسد و در این راه تا سر حدّ بی‌نهایت به پیش رود. هیچ عظمت و علوی نیست که او ببیند و خواستار آن نشود.

ایده‌آل‌جوئی و کمال‌طلبی در او به صورتی است که تدریجاً مطلق‌گرا می‌شود و هر چیز را در حد کمال خود خواستار می‌گردد. و یکی از علل عمده مخالفت نوجوانان با والدین و مربیان، و تخطئه کردن عمل و رفتار آنها، و یادآوری در مورد آنها که آنان عادل نیستند همین مسئله است. آنها در این سنین رفتار بزرگتران را زیر ذره‌بین قرار می‌دهند و اگر آن را موفق معیارهای خود نیابند از آنان روی بر می‌گردانند.

بیداری استدلال

نوجوانی سن مباحث بی‌پایان فلسفی، دینی، سیاسی و ادبی است. او با الفاظ بازی می‌کند و اغلب استدلال منطقی و قیاس صوری را مورد سوء استفاده قرار می‌دهد و امری را به عنوان حقیقت اثبات می‌کند و نتیجه می‌گیرد. [۱]. او سعی دارد مسائل خود را از روی دلیل و برهان حل کند و این بر خلاف روش گذشته است که اصرار داشت از راه زور و

[صفحه ۱۵]

لجبازی به پیش رود. البته ترقی قدرت استدلال و برهان بستگی دارد با اکتشاف افکار عمومی که در سنین ۱۴ بروز می‌کند. آنگاه در نتیجه اکتشاف روابط منطقی بین این افکار، از قبیل امکان رسیدن از اصول ساده به براهین ریاضی و رجوع از علم حساب به محاسبات جبری، قدرت تجریدی فکری حاصل می‌شود. [۲]. او آمرانه استدلال و اثبات می‌کند، آراء او همه نو هستند، به آن آراء چنان بستگی دارد که کاشفی به اولین کشف خود. [۳] ولی این نکته را ناگفته نگذاریم که آنها در عین جدید بودن نپخته و خامند، از استحکام خوبی برخوردار نیستند و با این حال، این بیداری آغازی برای سازندگی و رشد است.

[۱] روانشناسی کودکی، نوجوانی و جوانی صفحه ۴۴.

[۲] بلوغ - موريس دبس صفحه ۱۰۶.

[۳] مشکلات تربیتی ج ۲ صفحه ۲۱۸.

بیداری غدد

در این مرحله از رشد، غده‌ها بیدار می‌شود و مواد ساخته شده و یا هورمون خود را به درون خون می‌ریزند و در نتیجه موجب تحولاتی عظیم و دگرگونی‌هایی شدید در حالات و رفتار می‌شوند. از غدد مهمی که در نوجوان بیدار می‌شوند غدد جنسی است که موجب صفات ثانویه در بدن و دگرگونی‌های مربوط به تغییرات جسمی است. در نوجوان نوعی خودآگاهی و هشیاری پدید می‌آورد که اگر درست هدایت و رهبری شود راه او به سوی

[صفحه ۱۶]

کمال جنسی هموار می‌گردد.

او نوجوان است و در آینده‌ای نزدیک پدر یا مادر خواهد شد، بیداری غدد جنسی و آثار ناشی از آن به صورت احتلام یا قاعدگی یک اعلام است. در واقع به او آگاهی می‌دهند که تو بزرگ شده‌ای و می‌توانی همسر، پدر یا مادر شوی. این اعلام و اخبار هم عامل رشد است و هم می‌تواند موجبی برای فساد و انحراف باشد و طبیعی است که نقش مربی در آن فوق العاده مهم باشد.

دوران پایه‌گذاری‌ها

دوران نوجوانی و اصولاً دوران دهه دوم حیات را دوران پایه‌گذاری‌ها می‌دانند، مرحله‌ای است که در آن به مرحله باروری می‌رسد. فراگرفته‌ها و یافته‌های این مرحله نقشی مهم و سرنوشت‌ساز در آدمی دارند. اگر اهمیت شش سال اول زندگی را که آن همه مورد تاکید روانشناسان تربیتی است نادیده انگاریم باید اعتراف کنیم که مرحله‌ای مهمتر از نوجوانی برای پایه‌گذاری و آماده سازی نداریم. جنبه‌ها و امور بسیاری در این دوره شکل می‌گیرد و پایه‌گذاری متعددی در این مرحله صورت می‌گیرد که اهم آنها عبارتند از:

- پایه‌گذاری سلامت و رشد بدن و کمال یا نقص جسمی مخصوصاً در ستون فقرات، ساق پا، کف پا و...
- پایه‌گذاری سلامت روانی و مراقبت در این امر که رفتارها، متعادل و مناسب باشند.
- پایه‌گذاری رشد و جهت داری عاطفه که متوجه چه کسانی و یا

[صفحه ۱۷]

چه جنبه‌هایی باشند.

- پایه‌گذاری اخلاق، به عنوان مجموعه ضوابط حاکم بر روابط که در او تثبیت و عینی گردد.
 - پایه‌گذاری خوی اجتماعی و روابط معاشرتی از نظر ادب، حیا و باز و بسته بودن روابط
 - پایه‌گذاری استدلال و منطق و سیر و ضابطه فکری و جهان بینی و طرز تلقی‌ها از امور
 - پایه‌گذاری دینی و عقیدتی و اعتدال مذهبی و عادات و رفتارهای مذهبی و توان دفاعی از آن
 - همچنین است پایه‌گذاری‌های دیگر در بیداری فطرت و وجدان و...
- در آنچه که به مذهب مربوط می‌شود یک جنبه آن مربوط به جنبه‌های تکلیمی دیانت و آماده شدن برای انجام دادن همه دستورات و تعلیم دین است، مخصوصاً از آن بابت که او در اواسط یا اواخر این دوره وارد عرصه تکلیف می‌شود. [۱] و حاصل آن ورود به حیات تکلیفی به صورت یک مرد یا یک زن کامل است.
- آنچه را که او در دوران کودکی به صورت تقلید، بازی و یا تمرین مذهبی انجام می‌داد اینک باید سر و سامان یافته و صورت رسمی و الزامی به خود بگیرد و یا مسئله تشکّل اخلاق و از جمله

اخلاق مذهبی در این مرحله باید صورت کمال به خود گیرد و او متعهدانه وارد حیات اجتماعی شود. البته زمینه آن در همه نوجوانان، و در همه مناطق جهان وجود دارد که به آن اشاره خواهیم کرد.

[۱] نوجوانی - دکتر جعفر کرمانی صفحه ۵.

مشکل مربیان در ارتباط با نوجوان

گفتیم که دوران نوجوانی از نظر علمی دارای نقاط ابهام بسیار است و بسیاری از جوانب آن هنوز نیکو شناخته نشده است به ویژه که اینان نه کودکنند و نه بزرگ. آنان در مرحله انتقال قرار دارند و شرایط حیات‌شان با دوره‌های قبل و بعد کاملاً متفاوت است.

مشکل ما مربیان در رابطه با آنان مشکل تضادهاست.

مرحله‌ای است که در آن تضادها و برخوردهای بیشماری وجود دارد، چنان است که گوئی در آنان انقلاب و طوفانی بوجود آمده باشد [۱] کشمکش پرتحرکی بین گزینه‌های زیستی و نیازهای اخلاق بوجود می‌آید. [۲] عواطف، تهییج شده، احساسات آتشین، خاق و خوی، تغییر یافته و روح او منقلب است. این شور و هیجان با شکفتگی فکری مساعد و موافق نیست. به گفته موریس دبس، سیری قهقرائی در دوران بحران تکلیف از این بابت وجود دارد. [۳].

[صفحه ۱۹]

در این مرحله از زندگی بتدریج تمایلات سوزان در ضمیر پدید می‌آید و حرکات و رفتار را تغییر می‌دهد که بیشتر بدبختی‌ها و هم خوشبختی‌های زندگی مربوط به همین شورها و جنبه‌های عاطفی است، بسته به اینکه چگونه جهت یافته و تربیت شده باشند و این خود یک مشکل برای مربی است.

همچنین در این دوره واکنش‌هایی در نوجوان وجود دارد که حاصل آن رفتارهای ضداجتماعی، توأم با بزهکاری‌ها، مقاومت منفی، احساس اضطراب، مشکل درسی و مدرسه‌ای، افسردگی، و روان‌پریشی‌هایی از قبیل بیقراری، تیرگی شعور، ژست خودکشی [۴] و... است.

[۱] نوجوانی، دکتر جعفر کرمانی، صفحه ۵.

[۲] نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی صفحه ۳۱.

[۳] بلوغ صفحه ۹۹.

[۴] نوجوانی دکتر ایزدی صفحه ۲۹.

دو وضعیت عمده

از دید صاحب‌نظران در این مرحله از عمر دو وضعیت عمده برای نوجوان پدید می‌آید که هر کدام می‌تواند زمینه خطر روانی یا رفتارهای برای نوجوان باشد، در عین اینکه هر یک عامل مناسبی برای رشد و پیشرفت و نیز صیانت وجود از خطر نیز به حساب می‌آیند. آن دو وضعیت عبارتند از:

ترس‌ها

ترس‌های بسیاری در این مرحله از عمر برای نوجوانان پدید می‌آید که اهم آنها عبارتند از:

- ترس‌های بهداشتی و زیستی مثل ترس از اختلال بدن، نقص اعضاء، مرگ...

[صفحه ۲۰]

- ترس‌های جنسی ناشی از پیدایش صفات اولیه و ثانویه جنسی، نقص در آن و...
 - ترس‌های مدرسه‌ای چون ترس از عدم موفقیت در امتحان، تکلیف درسی، مردودی...
 - ترس‌های خانوادگی مثل ترس از بیماری یا مرگ والدین، نزاع و مشاجره و طلاق و...
 - ترس‌های اخلاقی مثل ترس از انحراف و ارتکاب خطا، عدم تطابق رفتار با اخلاق و...
 - ترس‌های اقتصادی مثل ترس از فقر، بیکاری، افت اقتصادی، عدم توان تهیه مایحتاج...
 - ترس از روابط اجتماعی مثل برخورد با افراد شلوغ، شوخی، درگیری و نزاع و... [۸].
- این ترس‌ها با همه عوارضی که دارند زمینه ساز بسیاری از بیداری‌ها و هشیاری‌ها، و نیز مراقبت و صیانت، پیشگیری از واقعه‌ها و... نیز می‌تواند باشند و وجودشان تا حدودی ضروری و لازمه رشد است.

[۸] روانشناسی نوجوانی صفحه ۱۴۴.

اضطراب

و آن احساس ترس از خطری است که هنوز نیامده است و یا حالت آزاد و نشر یافته ترس است که به هیچ شیئی یا عنصری بستگی ندارد. [۱] از دید کلی می توان گفت

[صفحه ۲۱]

اضطراب شامل آن ترسی است که ریشه های آن در عمق جان و از نظر ظاهر ناپیداست. تحولاتی که در دوران نوجوانی و بلوغ پدید می آید، بروز صفات ثانویه جنسی در نوجوان، رشد قد و دستگاہ های درونی و بیرونی او را دچار نوعی بهت زدگی و تحیر، و زمانی نوعی اضطراب و تشویش می سازد که خواب و قرار را از او می گیرد. این حقیقتی است که اذعان کنیم بسیاری از فرزندان ما در ضمن دوران کودکی و دوران بلوغ دچار ناامنی و پریشانی های هیجانی نسبتاً شدیدی می شوند. [۲] این حالت در آغاز دوران بلوغ دختران هم زیاد می شود... و حتی علائم بیماری مالیخولیا نیز در آن به علل مختلف دیده می شود. [۳].

خطر این تشویش ها در آنان بسیار و یکی از آنها تجلی و بروز رفتارهای نامتعادل، غیر معقول، سرکشی ها، نافرمانی ها، انحرافات جنسی، تن دادن به خواب و لمیدن ها، بی توجهی به درس و بحث مدرسه، بیقراری، زود به جوش آوردن، تصمیم گیربهای نیندیشیده و سریع... است. از موارد خطر این تشویش ها و دل سردی ها گاهی بروز فکر خودکشی در آنهاست. [۴].

[صفحه ۲۲]

[۱] نوجوانی دکتر جعفر کرمانی صفحه ۷۸.

[۲] سیری در بلوغ صفحه ۷۱.

[۳] روانکاوی دختران صفحه ۳۶.

[۴] روانشناسی کودکی و نوجوانی و جوانی صفحه ۵۸.

ضرورت توجه به نماز

با این مقدمه پایه‌گذاری‌های فکری نسبتاً طولانی و به عنوان نتیجه‌گیری‌ها از مباحث فوق باید گفت: این مجموعه ایجاب می‌کند نوجوان، به سوی نماز روی آورد. حتی اگر نماز به قصد قربت هم نباشد لااقل برای تأمین سلامت جسم، ذهن و روان، امری واجب و ضروری است.

ایمان ستونی است که آدمی را در طوفان زندگی و در موارد تزلزل درونی تکیه‌گاه است و یا ایمان به خدا و مذهب همانند عصائی است که آدمی را از افتادن و مغلوب شدن نگاه می‌دارد... بر اساس تجارب و بررسیهای روانشناسان، حتی آنها که پای‌بند به مذهب نیستند و آنکس که به قدرت بینهایتی در این جهان وسیع و دشوار خود را متصل نبیند همانند غریقی است در اقیانوسی بی‌پایان و یا بلا تکلیفی است که در دریای شک و تردید دست و پا می‌زند. به گفته ی عالمی او هر روز و هر ساعت عقیده‌ای دارد، با خود و طبیعت و با اهل دنیا پیوسته در جدال و کشمکش است. [۱].

اعتقاد به خدا عامل حل بسیاری از تضادها و درگیری‌های فکری، موجبی برای حل و رفع کشمکش‌های درونی و سببی برای دستیابی به آرامش است. به گفته الیزابت گوج اگر خدا را از بین ببری مسئله خود را حل نکرده‌ای، بلکه خود را تنها

[صفحه ۲۳]

گذاشته‌ای، آن هم در یک تنهایی مخوف و ترسناک. [۲] در بینش قرآنی یاد خدا مایه آرامش دلهاست (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ). [۳].

تربیت دینی در نوجوانی، توجه دادن او به نماز و عبادت، ایجاد رابطه انس بین او و خدا، نه تنها احساسات مذهبی او را اقناع می‌کند، بلکه تمایلات طبیعی و هواهای نفسانی او را هم مهار کرده و رفتار او را تحت کنترل در می‌آورد. و از همه آنها مهمتر اینکه احساس رنج درونی، فشار عاطفی، نگرانی، ترس، آشفتگی، احساس گناه شدید را که از ویژگی‌های این دوره است [۴] از بین می‌برد.

[۱] شادکامی صفحه ۴۳.

[۲] سیری در بلوغ صفحه ۱۵۱.

[۳] آیه ۲۸ سوره رعد.

[۴] روانشناسی رشد (جمعی از نویسندگان و صاحب‌نظران) صفحه ۴۸۲.

بی توجهی نوجوان به نماز

از شکوه‌های والدین و گله‌مندی‌های مربیان این است که برخی از نوجوانان، به ویژه آنها که از پایه‌گذاری تربیتی قبلی و مناسبی در گذشته برخوردار نبوده‌اند، به نماز توجهی ندارند. حتی برخی از آنان از پدران و مادران متدینی برخوردارند که مصداق این ضرب‌المثل است که از نور ظلمت پدید می‌آید و از ظلمت نور. ما با والدین منزّه و مقدسی مواجهیم که اهل عبادت و تقوایند ولی فرزندان آنها افرادی بی‌توجه به دین و نمازند و

[صفحه ۲۴]

بر عکس به افرادی بر می‌خوریم که والدینشان سست و بی‌مایه‌اند و یا جنبه اعتقادی درستی ندارند ولی فرزندان آنها افرادی متدین و اهل نمازند.

همچنین فرزندان را می‌شناسیم که والدینشان متدین و سالم بوده‌اند ولی خود در مرحله نوجوانی و بلوغ از نابسامانی و فساد سر در آورده‌اند. روح یاغیگری و عصیان در آنها رشد کرده و نه تنها آنان را علیه مسائل و جریانات به قیام واداشته، بلکه در برابر مسائل واجبی چون نماز سهل‌انگار ساخته است.

البته به این نکته توجه کنیم که چنین وضع و حالت در نوجوانانی که تمرینات مذهبی را از سنین کودکی و حتی خردسالی بصورت امری تفریحی، لذتبخش، با چشیدن عواطف گرم والدین و بدون تحمل فشار آغاز کرده‌اند بندرت دیده می‌شود و این خود نشان‌دهنده اهمیت دوران کودکی و پایه‌گذاری‌های اولیه است.

دستور رسول خدا (ص) به امت که کودکان خود را از کودکی به نماز وادارید (مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ...)[۱] خود اشاره‌ای به این اثرگذاری و اهمیت آن است و ما اهمیت این اقدامات پیشگیرانه و پایه‌گذارانه را در عبارات و روایات اسلامی می‌بینیم که مسئله را با دیدی وسیع در آموزش و تربیت دینی ذکر کرده‌اند. از جمله این سخن امام صادق (ع) که فرمود: (بَادِرُوا أَحْدَانَكُمْ (أَوْلَادَكُمْ)

[صفحه ۲۵]

بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَ إِلَيْهِمُ الْمُرَجِّئُ» [۲] (پیش از اینکه محوری گمراه کننده بر شما و فرزندان تان سلطه آورد آنها را به جریانات دینی آشنا سازید). و یا فرمود: يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَ سِتِّ سِنِينَ [۳] (از سنین بین ۶-۷ کودک را باید به نماز واداشت و در ترک آن مؤاخذه اش باید کرد).

[۱] مکارم الاخلاق - پیامبر(ص).

[۲] کافر ج ۶ صفحه ۴۶.

[۳] وسایل الشیعه ج ۲ صفحه ۵.

علل بی توجهی به نماز

بحث از علل بدان خاطر مطرح است که تا از ریشه و اساس امری سر در نیاوریم در آن زمینه اقدامی سازنده نمی‌توانیم داشته باشیم. قبل از هرگونه تصمیم‌گیری در مورد واداشتن نوجوان بی‌اعتقاد به نماز و یا به انجام فرائض مذهبی بررسی و تعمقی در این رابطه لازم است که دریابیم چرا نماز نمی‌خواند؟ حرف و سخن او چیست؟ آیا مدعی است که هنوز نماز بر او واجب نشده؟ نماز را عملی بیهوده و بی‌حساب می‌شناسند؟ از والدین و مربیان، یا از الگوهای دین و عبادت و نماز سرخورده است؟ می‌خواهد عصیان و نافرمانی خود را از این طریق نشان دهد؟ تنبل و بی‌حوصله است؟ وقت ندارد؟ و...

بررسیهای ناشی از مصاحبه، سؤال و جوابها، مشاهدهها و حتی آزمایشها، همچنین استفاده از تجارب دست‌اندرکاران، تحقیقات روانشناسان تربیتی، کسب اطلاع از والدین و معلمان

[صفحه ۲۶]

اطلاعاتی را در زمینه علل در اختیار می‌گذارد که مهمترین آنها عبارتند از:

علل مربوط به خود نوجوان

در این زمینه از علل و عواملی بسیار می‌توان سخن گفت که شناخته‌ترین آنها بدین قرارند:

- نادانی از اهمیت مسئله، عدم درک تعلیم مذهبی و ارزش آن، ناآشنائی به وظیفه و تکلیف...
- تنبلی و تن پروری، به ویژه که برخی از آنان در نوجوانی احساس لختی کرده و دائماً در گوشه‌ای لمیده‌اند.
- غفلت و مسامحه کاری و اوقات را بی حساب گذراندن و اتلاف وقت تا قضای نماز.
- بی حالی و رخوت، بی حوصلگی، که آن نیز نشانه‌ای از عدم درک لذت ارتباط با خداست.
- اثبات وجود و نشان دادن این که کسی است و می‌تواند یاغی و عاصی باشد.
- احساس گناه از لغزش گذشته و این تصور که آب از سر ما گذشته، دیگر نماز را چه فایده‌ای است!
- و بالاخره عدم عادت به عبادت و در نتیجه نداشتن روحیه لازم برای این برنامه.

علل مربوط به خانواده

در این جنبه هم از علل و عوامل بسیاری می‌توان نام برد که مهمترین آنها عبارتند از:

- عدم ایجاد عادت در او به نماز از دوران خردسالی بدان حساب

[صفحه ۲۷]

که هنوز وقت نماز او نشده.

- عدم دعوت او به نماز در شرایط کنونی و کار و برنامه او را در اختیار خود او قرار دادن.

- دعوت او به نماز از روی خشونت و قهر و عقده‌سازی و آزردن او.

- سلب اعتماد او از روحانیت خانواده و احساس ریاکاری در والدین و یا تقدس خشک و تحجر در آنان.

- احساس این مسئله که والدین او ستمکارند و عبادتشان تلاشی بی‌حاصل است.

- احساس آزادگی از گذشته زندگی خود و احساس فشار و زور از دعوت به عبادت در گذشته.

- آلودگی در غذای خانواده از نظر طیب بودن که رابطه‌ای است بین غذای طیب و عبادت و عمل صالح (یا ایهاً

الرُّسُلُ كُلُّوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً) [۸]

[۸] آیه ی آل سوره ی مؤمنان.

علل مربوط به گروه همسالان

غرض گروهی هستند که نوجوان با آنها جرگه اجتماعی را تشکیل می‌دهد. [۱] با آنها مانوس، همراز، هم‌سخن و همبازی است. این گروه ممکن است با نوجوانان به صورت کامل همسن نباشند ولی هم شرایط و همفکر و هم‌اندیشند.

[صفحه ۲۸]

نقش گروه همسالان در حدّی است که گاهی می‌تواند اندیشه‌ای را واژگون کند و حتی در دین و اعتقاد افراد اثر گذارد (الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ) [۲] چه بسیارند افرادی که بر اثر معاشرت‌ها با گروه دوستان به بیراهه و فساد کشانده شده‌اند، و چه بسیار دیگر که بر اثر آنها به راه خیر و صلاح آمده‌اند.

نقش گروه معاشران یا همسالان هم‌چنان به قوت در تمام مراحل حیات تأثیر دارد و اثر آن در سنین نوجوانی بیش از دیگر دوره‌های زندگی است. تابعیت و هم‌رنگی با دوستان، انس‌ها و دوستی‌ها در این مرحله با تعصب همراه و غالباً ابرآلود و مبهم است.

در دوران نوجوانی قواعد اخلاقی خارجی و اجتماعی افراد، جای خود را به تقلید از نمونه‌ها و سرمشق‌های زندگی می‌دهد و شخصیت ناپایدار نوجوان از اشخاص نمایشی بهره‌مند می‌شود. [۳] در امر ترک نماز و زمانی هم رغبت و عادت به نماز، الگوها و معاشران نقش اساسی دارند.

[۱] زمینه جامعه‌شناسی.

[۲] علی (ع) تحف العقول.

[۳] تعلیم و تربیت و مراحل آن صفحه ۱۷۹.

علل مربوط به جو و محیط

دوران نوجوانی دوران تجسس است. این تجسس در همه مؤسسات قانونی، سیاسی، مالی، مذهبی صورت می‌گیرد. او سعی دارد با مشاهده آنچه که در دور و بر او و در مؤسسات می‌گذرد، بر طبق ذوق و سلیقه

[صفحه ۲۹]

خویش مدل مناسبی را برای خویش جستجو کند. اگر جو و شرایط محیط مناسب و مثبت باشد او را بدان سوی گرایش است و بر عکس.

عوامل متعددی از جامعه و محیط در او اثر می‌گذارند و در او احساس و تصویری برای ترک مذهب و نماز پدید می‌آورند و آنچه از بی‌اعتنائی نسبت به نماز در او می‌بینیم زائیده شرایط ذیل است.

- وسوسه‌های مکاتب الحادی و ایجاد شک و تردید در اذهان
- احساس اینکه علما و امرا فاسدند و در طریق اجرای تعالیم مذهب نیستند و در آنها فساد وجود دارد.
- تصور ریاکاری از اولیای دین و احساس این امر که درصد فریب دادن مردمند و افرادی چون او آلت دستند.
- احساس تحجر، بی‌منطقی و خشکی در تقدس‌آنهائی که مورد علاقه او هستند.
- آلودگی محیط و جو که حال و روح او را می‌گیرد، مثل فساد در کوچه و خیابان
- جدائی اخلاقی و معنوی بین او و روحانیت به هر علت و اندیشه‌ای
- تبلیغات علیه مذهب و دین و توسعه این اندیشه که دین قدیمی شده
- احساس یا تصور عدم تطابق دین با زندگی و بی‌ارزشی عبادتی چون نماز

[صفحه ۳۰]

عوامل دامن زننده

عوامل و شرایط بسیاری هستند که بر این علل دامن زده و بر شدت و حدت آن می‌افزایند. ممکن است خود نوجوان در شرایطی باشد که زمینه برای کم‌اعتنائی او به نماز فراهم است و درصدد فرار بیشتر و در رفتن از زیر بار وظایف است. در چنین بحرانی وضع چنان می‌شود که سقوط او تسریع و یا اسیر او به سوی مقصد کند می‌شود. آن عوامل دامن زننده، متعدّد و از آن جمله‌اند:

عقدسازی‌ها، ایجاد زمینه برای بدبینی‌ها، بر افراشتن چوب تکفیر و وارد آوردن انگ لامذهبی، یا بی‌دینی بر نوجوانان، تحویل نگرفتن او در مجامع دینی و یا به حساب نیاوردن او، او را به صد وعده و وعید به مسجد ببرند و او در آنجا با موقعیت خلاف انتظاری مواجه گردد... و این گونه عوامل در او اثری بسیار می‌گذارند به ویژه از آن بابت که... چراغ عقل در او ضعیف و کم فروغ و احساسات نیرومند و آتشین است [۱] و هم بدان دلیل که در طبیعت آنها تحقیر نسبت به طرز زندگی و امور معمولی هم دیده می‌شود. [۲].

[۱] جوان ج ۱ صفحه ۱۱۴.

[۲] روانشناسی کودکی، نوجوانی و جوانی صفحه ۶۲.

در طریق اصلاح

در طریق اصلاح و به عنوان امری مقدماتی نخست توجه به

[صفحه ۳۱]

نکاتی برای ما اصلی و ضروری است. قبل از هر چیز باید گفت در رفع عارضه‌ای و اصلاح یک نابسامانی باید از همان راهی در نوجوان وارد شد که عوامل و شرایط در او وارد شده و نفوذ کرده‌اند. برای خشکاندن درخت فتنه بهتر این است ریشه‌ها را بخشکانیم و برای زدودن آثار و عوامل امری بهتر است به علت‌ها توجه کنیم. بدینسان، مادام که در فرد ریشه یا عامل جهل و غفلت و تن پروری و بی‌رغبتی زدوده نشود، مادام که خانواده‌ها سر و سامان نداشته و یا بی‌توجه و بی‌برنامه باشند، مادام که دوستان و معاشران ناباب فردی را احاطه کرده و در میان گرفته‌اند، و تا زمانی که جوّ جامعه و شرایط محیط نابسامان و آشفته است امید به صلاح بسیار ناچیز و اندک خواهد ماند. برنامه‌ریزی برای اصلاح نوجوان در محیط خانه و زندگی یک سوی قضیه است، و تلاش برای کنترل جامعه و محیط سوی دیگر آن، و این دو در هم دارای تأثیر و تأثرند، از آن بابت که حیات انسان چهره‌ای اجتماعی دارد.

حل تضادها و تعارضها

ما معتقدیم رابطه‌ای است بین شرایط حیات سیاسی- اجتماعی انسان، با حیات فردی و معنوی او. شاید این سؤال به ذهن عده‌ای خطور کند که چه رابطه‌ای است بین رشوه‌خواری فلان مسئول اداری با بی‌نمازی فلان نوجوان و جوان؟ یا چه رابطه‌ای است بین فساد فلان روحانی و بی‌دین فلان فرد؟

[صفحه ۳۲]

در وجود ارتباط بین این مسائل ظاهراً جداگانه تردیدی نیست. و اتفاقاً این ارتباط شدید هم هست. این مسئله هم مورد تأیید مذهب است و هم در دنیای علم از آن بحث بعمل می‌آید. از نظر علمی رفتار آدمی لااقل در گرو دو عامل است:

۱- اندیشه که جای آن در ذهن و روان است و طراحی‌ها در آنجا صورت می‌گیرند.

۲- اجرای اندیشه که در اختیار و در گرو اعضاست و بر طبق فرمان و طرح صورت می‌پذیرند.

طراحی‌های فکری در سایه رهبری عالمان و صاحب‌نظران و مشاهده عملی فرمانروایان است. بیش از ۱۴۰۰ سال قبل این عبارت معروف از رسول خدا (ص) آمده است که: *صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَّحَا صَلَّحَ النَّاسُ وَإِذَا فَسَدَا فَسَدَ النَّاسُ: الْعُلَمَاءُ وَالْأُمَرَاءُ*. [۱] دو گروه از امت هستند که اگر آنها صالح و شایسته باشند جامعه صالح می‌شود و اگر آنها فاسد و تباه شوند مردم فاسد خواهند شد: آن دو گروه عبارتند از علما، که رهبران فکری مردمند و امرا که رهبران اجرائی مردمند. بدینسان وجود چنان شرایطی ولو اندک، در یک جامعه تضادآفرین است و اصلاح نوجوان و جوان در گرو حل آن است.

[۱] کافی، کلینی.

رابطه درون و بیرون

دامنگیری مفاسد، جاذبه‌های تباه کننده موجود در اجتماع،

[صفحه ۳۳]

زلف‌ها و بدنهای عریان، صحنه‌های بدآموز و تحریک کننده، نواها و نغمه‌های حرام چنان پرده‌ای بر دلها می‌کشند که آن را توان مشاهده و ارتباط با ظرائف و لطائف معنوی نیست.

چشمی که در ساعات روز به تماشای صحنه‌های لغزاننده در خیابان و بازار مشغول بوده و با فیلم و سینما و نوارهای ویدئویی انس گرفته آیا می‌تواند عالم ملکوت را ببیند؟ دلی که در گرو حرکات و رفتار فلان رقص، در فلان فیلم داخلی یا خارجی است آیا می‌تواند در گرو محبت خدا قرار گیرد؟

مگر نه این است که ما از نظر علمی و دینی قائل به ارتباط درون و بیرون هستیم؟ مگر باور نداریم که چشم جاسوس دل است؟ مگر نپذیرفته‌ایم که حواس ما دریچه‌هایی از جهان خارج به داخلند؟ مگر انقلابات درونی و بیرونی، تجلیات متقابل ندارند؟ در آنصورت برای اصلاح درون باید بیرون را ساخت، و برای پاکی دل ظاهر را هم باید آراست.

می‌خواهیم بگوئیم وسوسه‌های جهان کوچه و بازار، تحریک‌سازی نوارها و فیلم‌ها و سینما و تلویزیون، مصونیت دل را از نوجوان سلب می‌کنند و روح تقوا و عبادت را از او می‌گیرند. حتی ممکن است نوجوان در اثر تماشای زلف‌های دختری اروپائی احساس لذت در عین گناه داشته باشد و با خود حساب کند دیگر نماز به چه دردی می‌خورد؟ من که تماشای فلان صحنه گناه و اهل جهنم، دیگر چه فایده‌ای برای نماز من؟ غرض این است که تا این جنبه‌ها سامان نیابند آن مشکل حل

[صفحه ۳۴]

نخواهد شد.

شیوه‌های جلب و جذب

در عین حال، و در عین حضور چنان شرایط و جوّ، وظیفه تربیت از والدین و مربیان سلب نمی‌شود. ما را وظیفه هدایت و ارشاد است. باید بازوی نوجوان را گرفت و از هر راه ممکن در امر جهت‌دهی او اقدام بعمل آید. اما اقدامات در چند جبهه باید صورت گیرد:

در رابطه با خود نوجوان

تلاشهایی که در این زمینه باید صورت پذیرند عبارتند از:

- جهل زدائی از طریق والدین و مربیان، با استفاده از توان بیانی، کتب، مجلات، نوشته‌ها
- ایجاد رغبت در او از طریق برقراری رابطه انس با او، پذیرش، رفاقت با او.
- استفاده از حساسیت و شور و هیجان مذهبی و شور عرفانی نوجوان و نشان دادن صحنه‌های مهیج مذهبی
- ایجاد اعتقاد در او به احاطه و نظارت بی‌انقطاع خدا بر اعمال و رفتار از طریق بحث‌های خانوادگی و جلسه‌ای
- استفاده از فکر انتزاعی او برای ادراک پدیده‌ها و قدرت خداوندی که او در این سن می‌تواند روابط لازمی که بین انواع مختلف پدیده‌ها وجود دارد درک کند و روابط علت و معلولی را

[صفحه ۳۵]

بفهمد. [۱].

- آشنا کردن او با حقیقت این جهان که این کار مستلزم شهادت بسیاری است. [۲].
 - قرار دادن تربیت بر پایه رشد با توجه به خصایص نوجوان که مورد نظر اسلام است (سَبَعَهُ يُظِلُّهُمُ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ وَ شَابُ نَشَأَ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ) [۳].
 - یادآوری نعمتهای خداوند (وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاتَّقُوا بِهِ) [۴].
 - پاسخ به پرسش‌های مذهبی و تجهیز آنان به دفاع از مذهب
 - زمینه سازی برای خودیابی، خودسازی، محاسبه نفس.
- این نکته را نیز باید افزود که اصولاً دعوت به مذهب و از جمله نماز منحصر به سه طریق است:
- بیان حقایق و معارف تفصیلی، موعظه و نصیحت، مباحثه و بحث
- البته دادن بینش و آگاهی به افراد و آنگاه تقویت عزم و اراده افراد، در جهت یابی فرد به سوی مذهب و تعالیم آن نقش اساسی دارد. به این آیه قرآن توجه فرمائید که مقصد و منظور ما را به وجهی نیکو روشن می‌سازد.

[صفحه ۳۶]

زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ فَاٰمِنُوۤا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ...[۵] .

[۱] روانشناسی کودکی، نوجوانی و جوانی صفحه ۴۴.

[۲] سیری در بلوغ صفحه ۱۵۳.

[۳] رسول خدا (ص) تفسیر مجمع ج ۲ صفحه ۳۸۵.

[۴] آیه ی ۷ سوره مائده.

[۵] سوره ی تغابن، آیه ۷.

در رابطه با خانواده

- در این زمینه نکات و برنامه‌هایی است که رعایت آنها در جلب و جذب افراد مؤثر است. اهم آنها عبارتند از:
- بعد الگوئی خانواده بگونه‌ای که پدر و مادر به هنگام نماز همه کارها و برنامه‌های خود را تعطیل کنند و به سوی نماز روی آورند و این خود درسی سازنده و عملی است.
 - استفاده از جاذبه‌های صوتی و کلامی برای جلب و جذب، مثل قرائت نماز با صدای خوب، با لحن خوب و جذب کننده، با سخنان آهنگ‌دار و...
 - ایجاد رابطه با نوجوان با استفاده از عواطف گرم خانوادگی، از اعلام محبت، نشان دادن رحمت و عنایت، تحریک عواطف، و گاهی هم بهره‌گیری از مهر و قهر به صورت توأم.
 - استفاده از زمینه تشخیص طبی، مسئولیت خواهی، مشاور و همدم گرفتن، یاری و معاونت خواهی در امور و در نتیجه به موقع جهت دادن او.
 - کنترل‌های غیرمستقیم و مراقبه درباره نوجوان، زیرنظر داشتن برنامه او، به موقع تذکر دادن و واداشتن او به نماز و این تذکر نباید صورت خشونت، رسواگری و تنبیهی داشته باشد.
 - و بالاخره توجه به این نکته علمی و اسلامی که دل می‌تواند دل را هدایت کند. سخنی از مرئی در دیگران مؤثر است که برخاسته از جان و دل باشد. خلوص‌ها و القآت نشأت گرفته از ایمان و باور درونی، کارسازند و نمونه‌ها در این موارد بسیار.

در رابطه با معاشران

می دانیم نوجوان در دوستی آسان‌پذیر، افراطی و اسیر رفاقت است. و این حالت از سنین اول نوجوانی آغاز می‌شود، بگونه‌ای که سن ۱۱ را سن رفاقت بازی خوانده‌اند. [۱] دوست و معاشر اصولاً در جان و دل انسان اثر می‌گذارد و حتی باور و ایمان او را تحت تأثیر قرار می‌دهد (الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ) [۲] و تأثیر آن در این مرحله شدید است تا حدی که به گفته هلن دوچ: آنها خود را برای دوست به زحمت می‌اندازند و البته چنین حالتی در دختران شدیدتر است. [۳].

معاشرت‌ها همانگونه که عامل مصونیت اخلاقی هستند در مواردی عامل فساد و انحراف می‌گردند. اگر بتوانیم شرایطی فراهم سازیم که او را با دوستان و معاشران مذهبی و تربیت یافته همدم سازیم خود بخشی مهم از این راه طولانی و عظیم تربیت مذهبی او را طی کرده‌ایم.

[صفحه ۳۸]

نقش گروه همسالان در سه مرحله از شرایط حیات از نقش پدر و مادر هم بیشتر است، از جمله در سنین بلوغ و نوجوانی... [۴] چه بسیار از نوجوانان که خود را کاملاً با دوستان خود همگون می‌کنند و بر اساس آن یا ساخته و پرداخته می‌شوند و یا خاندان نبوت خود را گم می‌کنند!

[۱] مراحل تربیت فصل ۵.

[۲] رسول گرامی اسلام.

[۳] روانکاوی دختران صفحه ۳۸.

[۴] زمینه جامعه شناسی آگ برن نیم کوف.

همگام ساختن با الگوهای نافذ

این هم چهره‌ای دیگر از مسئله معاشرت است. به این نکته تحقیقی توجه کنیم که از سنین ۱۲ دختران و کمی بعد از آن پسران، با ایده‌آلهای دوران بلوغ مجذوب شخصیت دیگران می‌شوند و حرف و سخن آنها در آنان جداً مؤثر است.

گاهی در این سن احساس آشکاری نسبت به دیگران پیدا می‌کنند و سخن و عمل فردی مهم که از وجهه اجتماعی مناسبی برخوردار است (و بخصوص که نوجوان ببیند دستگاہها و سازمانهای رسمی و غیر رسمی برای او و سخنانش ارزشی قائلند و او را فردی مورد اعتنا جلوه می‌دهند) افکارشان را تحت الشعاع قرار می‌دهد و دائماً تحریکش می‌کند که فلان شیوه و روش را عملی کند.

برنامه‌های رادیو و تلویزیون را در نظر آوریم. گاهی یک روحانی را می‌بینید که با برنامه‌های مداوم خود، با ذکر داستانها و اجرای شیوه‌های خاص تبلیغی نظر عده‌ای از نوجوانان و جوانان

[صفحه ۳۹]

را به خود جلب می‌کند. نام و ذکر او در سر زبانها می‌پیچد و گروههای بعدی را به سوی خود متوجه می‌سازد. سوق دادن خانواده‌ی نوجوانان از روی مهر و عاطفه که برنامه نماز را ترک نکنند در آنها شدیداً مؤثر است. جهت دادن نوجوانان به عضویت در تشکیلات و گروهی که در مسیر مذهب و عبادت و نمازند نیز چنین است. آنها شدیداً تحت نفوذ گروه‌ها و حتی اگر مؤمن به نماز هم نباشند به سوی آن گرایش پیدا می‌کنند. و لاقلاً این حالت در آنان به صورت عادت در می‌آید و طبیعی است که اگر در گروه و تشکیلات معنویتی، راه و رسمی نشأت گرفته از ایمان وجود داشته باشد و تحت رهبری فردی مؤمن باشد امید هدایت بیشتر است.

اصلاح جو و شرایط محیطی

و بالاخره به این نکته هم عنایت کنیم که شرایط جوّ و محیط در سازندگی یا ویرانی بنای اخلاق و مذهب شدیداً مؤثرند. ما امروزه حتی از نظر علمی قائلیم که محیط فاسد و مسموم، زمینه ساز فساد است و محیط صالح و شایسته، زمینه ساز صلاح و سعادت.

نقش محیط و جوّ اجتماعی در صلاح و فساد افراد به حدّی مؤثر است که بسیاری از جامعه شناسان و حتی روانشناسان اجتماعی، و به دنبال آنها، نظریه پردازان سیاسی و فلسفی سعی کرده‌اند که همه جرائم و انحرافات را به جوّ جامعه و نظام یک مملکت متصل بدانند و حتی مجازات مجرم را تخطئه کرده و آن

[صفحه ۴۰]

را نوعی اقدام در از بین بردن معلول ذکر کرده‌اند نه علت، و قائلند جامعه و نظام باید محکوم شود نه فرد. ما را از عقیدتی چنین اندیشه‌ای نیست و نقش مسئولیت فردی را در افراد نادیده نمی‌گیریم. ولی این مسئله را هم در نظر داریم که مسئله جوّ و محیط اجتماعی کم مسئله‌ای نیست.

شما اندیشه اسلامی را مورد نظر قرار دهید که گذران اوقات را در محیط گناه نوعی گناه می‌شناسد اگر چه آدمی در آن مفاسد مشارکت نداشته باشد. ما حق نداریم در مجلس شراب یا قمار حاضر باشیم اگر چه قمار نمی‌کنیم و یا شراب نمی‌نوشیم (لا یَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ مَجْلِسًا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ) [۱] و این امر شاید بدان خاطر است که جوّ گناه فضای روان را مسموم می‌سازد و خانه دل را تاریک می‌نماید و شاید به همین علت است که مسلمان حق ندارد در محیطی آلوده و مسموم، و در جایی که قادر به حفظ دین و عقیده خود نیست زندگی کند و اقل وظیفه او مهاجرت و کشاندن خود به محلی و محیطی دور از آلودگی است. (إِنَّ الَّذِينَ تَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ، قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ؟ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ - قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا) [۲].

[صفحه ۴۱]

بدینسان ما قائلیم جوّ و شرایط محیطی باید سازنده و دعوت کننده به عبادت و به تقوا باشد. تشکیل اردوها و برنامه‌های یک روزه که در آن زندگی اسلامی مورد اجرا و عمل گذارده شود. به صورت دسته جمعی برنامه غذا و ورزش و نماز باشد بسیار مؤثر است.

بر عکس محیطهای فاسد و آلوده، عوامل جذب انسان به گناه و فساد، گسترش مفاسد و انحرافات در یک جامعه، وجود برنامه‌های غافل کننده، مستی و بی‌خبری، شرکت در مجامع آلوده، سرگرم داشتن بچه‌ها در اجتماعات با برنامه‌های گمراه کننده و سرانجام علنی کردن مفاسد، چنان پرده‌ای بر دلها می‌کشند که آدمی در صف این گروه قرار می‌گیرد که: خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَ عَلَى سَمْعِهِمْ وَ عَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ [۳] و چنین فردی کی می‌تواند یاد خدا کند؟

[۱] امام صادق (ع) تحف العقول.

[۲] آیه ی ۹۷ سوره ی نساء.

[۳] آیه ی ۷ سوره بقره.

اعمال روش‌ها

در اعمال روش‌ها برای واداشتن نوجوان به نماز از فنون و شیوه‌هایی می‌توان استفاده کرد که علمای روانشناسی و تربیت بدان‌ها تکیه کرده‌اند. این فنون به صورت کلی در تربیت مورد استفاده است و در تربیت مذهبی، از جمله در واداشتن به نماز می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

در این بحث و بررسی ما را توان آن نیست که به شرح و

[صفحه ۴۲]

تفصیل آن موارد بپردازیم، ولی سعی خواهیم کرد با در نظر داشتن طرز فکر اسلام در تربیت، لااقل اسمی از آنها برده باشیم. آن روش‌ها متعدد و متنوع و اهم آنها عبارتند از:

- روش‌های آگاهی بخش چون روش اعلام و اشعار، روش آیت، روش تذکر و هشدار، امر به معروف، ارشاد...
- روش‌های عاطفی چون روش حبّ، روش رحمت، روش حثّ یا تحریک عواطف، روش همراهی و همکاری، احسان

- روش‌های جلب چون پذیرش، احترام، تکریم و تفخیم، تقرّب، التفات، لطف
- روش‌های خیرخواهانه چون وصیت، نصیحت، وعظ، حکمت
- روش‌های اقتاعی چون استدلال، محاجّه، مجادله، تحدی، برهان، حجت
- روش‌های تبیینی چون تشریح و تحلیل، محاوره و گفتگوی آزاد
- روش‌های برانگیزاننده چون تحسین، تائید، تشکر و سپاس، ترغیب، تحریض، تشویق، پاداش و انعام
- روش‌های امیدساز چون وعده، رجاء، بشارت‌ها
- روش‌های ترغیبی چون ذکر صالحان، داستان، بازی
- روش‌های عنایت‌آمیز چون مطالبه و مزاح، عبور کریمانه، تغافل، تسامح، تجاهل، امهال
- برخوردهای غیر مستقیم مثل کنایه، تعریض، اشاره، تلویح
- روش‌های جدی در برخورد مثل اعلام تعجب، ذمّ و قدح، تقبیح

و تنفیر، قطع محبت، قهر

- روش‌های اعتراضی مثل عقاب، اعتراض، ابراز تأسف، نهی، محروم کردن
- روش سرزنش‌ها و تعبیر مثل ملامت، توبیخ، تحقیر عمل
- روش‌های هشدار دهنده مثل اخطار، عقاب، افشاء
- روش‌های تهدیدی مثل ارعاب، وعید، تخدیر، تخویف
- روش‌های تنبیهی مثل اخذ، بطش امکانات، نکال، تعزیر، رجز، خزی، و...

اصولی در اعمال روشها

در اعمال روش‌های تربیتی برای واداشتن نوجوان به نماز اصولی باید مورد عنایت قرار گیرند که اهم آنها عبارتند از:

- رفع عوارض ذهنی، تغییر در پیکربندی ذهن، ایجاد امید در فرد برای پاکی و شایستگی
- در نظر داشتن شرایط سن، جنس، تفاوتها، اقتضات
- در کیفیت اجرا، اصل اعتدال، حکمت، مصلحت، انعطاف، تدریج
- استمدادها از خود فرد، دوستان و معاشران، مدرسه، خانواده، مسئولان، در عین مددخواهی از خدا
- پرهیز از تمسخر، طرد و رد، بخود واگذاری، حيله و فریب، استبداد و خشونت
- تکیه بر آگاهی و تفهیم، تمرین و تداوم، القاء مداوم
- مراقبت در اسوه سازی، فریضه سازی، سهل‌گیری (مثل کوتاه

[صفحه ۴۴]

کردن نماز، عدم تکیه بر تعقیبات،...)

در طریق جلب و جذب

این که نوجوان را چگونه باید به سوی مقصد مورد نظر جلب کرد سئوالی است که پاسخ قاطع و نسخه‌وار ندارد. پاسخ آن بستگی دارد به آگاهی از نوع شخصیت نوجوان و درباره هر کدام از آنها به یک گونه باید عمل کرد. شخصیت نوجوان بر اساس نظر روانشناسان تربیت از تیپ‌های گوناگونی است مثل: شخصیت خودکار، شخصیت سازش‌پذیر، شخصیت بدگمان، افتاده، مبارز طلب، تعدیل نیافته، ماجراجو، مشتاق و اخلاقی و... با هر کدام آنها به یک گونه باید برخورد داشت. اما در رابطه با همه آنها اجرای این ضوابط و اتخاذ مواضع زیر دارای نقشی سازنده و جهت دهنده است:

- قاعده محبت و اعلام این سخن غرورآمیز که خوشحالم چون تو پسری نمازخوان دارم.
- قاعده تشویق از طریق ذکر فضایل و پاداش‌های عملی روا و مناسب در اسلام چون عمل نماز
- قاعده ستایش عملی دیگران بدون به رخ کشیدن و تحقیر او
- قاعده روحیه دادن از طریق این عبارات که تو را نورانی‌تر و شاداب‌تر می‌بینم.
- آراستن ظاهر مثل تهیه جای مناسب برای نماز، جانمایی زیبا، سر و وضع و حالت دادن و...

[صفحه ۴۵]

- آسان‌گیری بر نوجوان و مراقبت بر او که خود را در عبادت خسته نکند و سطح توقع او در امر عبادت بالا نرود که خسته شدگان امروز از کثرت عبادت، تارکان صلوة فردای ما را تشکیل می‌دهند. و در این زمینه از امام صادق (ع) سخنی آمده است: *كُنْتُ شَابًا فَأَجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ... جَوَانٌ بُوَدِمَ وَ دَرِ عِبَادَتِ كُوشَا، هَمْگَامٌ بَا پَدْر شَبِ زَنده‌داری می‌کردم و به نماز شب می‌ایستادم، شبی پدرم به من رو کرد و فرمود: پسر تو جوانی، بخواب، هنگامی که خدای از جوانی راضی باشد به او همان اجر سالمندان را خواهد داد.* [۸].

البته روش‌های تجسمی، تصویری، عرضه و نمایش، و اجرای برنامه‌هایی از این قبیل در تلویزیون و دیگر عرصه‌ها، خود را در این زمینه نقش فوق العاده دارند و در ایجاد رغبت و جلب نوجوان مؤثرند به ویژه که بر مبنای قاعده هدایت عواطف باشند و تحریکی هم از این بابت داشته باشند.

[۸] جوان ج ۲.

زمینه‌های پذیرش

برخی از والدین و مربیان، به ویژه آنها که در خود نوعی خودباختگی در برابر نوجوان احساس می‌کنند، از دیدن حالت عصیان، سرکشی، استقلال طلبی و کلاً ناآرامی آنها احساس نومی‌داری دارند و بر این گمان هستند که نمی‌توان او را به راه آورد.

به گمان ما هیچگاه جای نومی‌داری نیست. از نظر علمی و اعتقادی

[صفحه ۴۶]

زمینه‌های متعددی در نوجوان وجود دارد که راه را برای تربیت مذهبی و سوق دادن او به نماز و عبادت فراهم می‌کند و ما با استفاده از آن زمینه‌ها، و با تکیه به روش‌ها و اصول ذکر شده، به شرط عمل و پیشگیری می‌توانیم او را به راه آوریم آن زمینه‌ها متعدد و از آن جمله‌اند:

بحران شناخت

دنیای نوجوان دنیای بیداری‌هاست، دنیای اخذ و صید است. او و همانند گرسنه و چشم و گوش بسته‌ای است که ناگهان بیدار و وارد دنیای جدیدی شده و می‌خواهد از جهان سر درآورد، از پدیده‌های آن بهره گیرد به گفته «اریکسون» اینان در بحران شناسائی هستند و خواستار آند بدانند و دریابند چه خبر است و در این دنیا چگونه باید بود. [۸] این بحران او را برای مواجهه با امور مربوط به خدا و تکلیف آماده می‌کند. و البته والدین و مربیان هم باید با اتکا به همین پیش روند و چنین زمینه‌ای را پل قرار دهند.

[۹] تربیت و تغذیه - بنیابن اسپاک.

تعیین هویت

نوجوان در تلاش برای یافتن و تعیین و تأمین هویت خویش است. چون خفته‌ای در خود، ناگهان بیدار می‌شود و می‌خواهد بداند کیست و چیست؟ در این عرصه پهناور آیا مکلف است یا آزاد و رها؟ اگر والدین و مربیان هشیار باشند و به القا و اجرای برنامه‌های مذهبی بپردازند، نوجوان گمشده خود را در زمینه اعتقاد مذهبی خواهد یافت و در آن

[صفحه ۴۷]

صورت به اجرای تعالیم دینی از جمله نماز تن خواهد داد.

عکس قضیه هم درست است. بدین معنی که اگر نوجوان از اعتقادات خالی شود هویت خود و در نتیجه احساس تصمیم‌گیری خود را از دست خواهد داد. نوجوان در طریق تعیین موقعیت و کشف خویش گاهی می‌خواهد در تنهایی بدون آشفته ساختن دنیای خارج فکر کند و هر فرصتی را برای تنها ماندن و خلوت کردن طبع گرامی می‌دارد. [۱] و این خود زمینه‌ای دیگر است برای جهت دادن او به خلوت با خدا و عبادت.

[۱] سیری در بلوغ صفحه ۶۶.

جستجوی ماوراء طبیعت

در سنین نوجوانی آدمی را دید و بینشی خاص نسبت به جهان پدید می‌آید و درمی‌یابد که در ورای این ظاهر باطنی است، و در پس این زرق و برق پدیده‌ها، کارگردانی است. به ماوراء طبیعت و به جهان خلق و امر راغب می‌شود و این مسئله‌ای است که علمای غرب را هم بدان عنایتی است. توجه نورسته‌ها به رسول گرامی اسلام و گله سالمندان از پیامبر (ص) که جوانان ما را فاسد کرده (أَفْسَدَ شُبَّانًا) [۱] خود حکایت از همین زمینه دارد. سؤالات نوجوانان را از معلم دینی در مدارس جویا شوید. از پدران و مادرانی که با نوجوانان خود مأنوسند پرسید که بیشترین سؤالاتشان از آنها در چه زمینه‌ای است؟ بی‌شک

[صفحه ۴۸]

بخش مهمی از پرسش‌هایشان در زمینه‌ی ماوراء طبیعت است و اگر پاسخگوی قانع‌کننده و توانا، خود اهل عبادت و نماز باشد در جان و دل او نفوذ می‌کند و او را بدان سوی می‌کشاند.

[۱] ج ۶ بحار کمپانی صفحه ۳۴۳.

مرحله ایمان

نوجوانی دوران ایمان است. او در شرایطی است که باورش آمده جهان را صانعی باشد خدا نام. علمای روانشناس نیز هفت سال سوم عمر و حتی قبل از آن را مرحله ایمان نام گذاری کرده‌اند. [۱] دیگر دانشمندان هم که راجع به نوجوانی بررسی‌هایی کرده و تئوریهائی ساخته‌اند برانگیختگی نوجوان را در بسیاری از موارد نشأت گرفته از ایمان ذکر کرده‌اند. [۲].

نوجوان با کسب تجارب در پی آن است که به مرحله باور برسد و آموخته‌های خود را قطعی کند و یا به گفته غربی‌ها در پی آن است ایدئولوژی قابل قبولی پیدا کند و از این طریق زندگی خود را با هدف و معنادار کند. و این خود زمینه و سببی است که نوجوان به سوی عبادت و نماز روی آورد، به شرطی که شرایط محیطی مساعد باشد.

[۱] بلوغ- موریس دبس فصل ۵.

[۲] نظریه‌های بنیادی درباره نوجوانی.

مرحله برافروختگی

او در مرحله شباب است از یک دید. و شباب که لغتی عام برای مرحله نوجوانی و جوانی است در محتوای لغوی خود معنی برافروختگی را دارد و این یک واقعیت برای این مرحله است. به گفته صاحب‌نظران نوعی شور و

[صفحه ۴۹]

شیفتگی در آنها بوجود می‌آید که سراسر وجودشان را احاطه می‌کند و انرژی آن به حدی است که می‌تواند او را تجهیز کند و رفتار و کردار او را به سوی معینی جهت دهد [۱] حساسیت‌ها و هیجانات شدید تحت تاثیر محیط نوعی شور عرفانی در او پدید می‌آورد و او به سوی تقوا و زهد روی می‌آورد. [۲] بدینسان زمینه برای روی آوری به عبادت در او فراهم است و اگر او را بدان رغبتی نبود باید به جستجوی علل پرداخت و موانع را رفع کرد.

[۱] بلوغ موریس دبس صفحه ۵۲.

[۲] روانشناسی کودکی، نوجوانی و جوانی.

بیداری فطری

و این مسئله‌ای است که از قبل هم بدان اشارتی رفت. رغبت فطری در افراد بیدار شده و آنها را به پاکی و فضیلت می‌خواند. نوجوان از نادرستی مردم ناراحت است، می‌خواهد اخلاق و سجایای آن بر جهان حاکم باشد. خواستار معرفت الهی است، به مسائل مذهبی علاقه نشان می‌دهد. به گفته موریس دبس از حدود سنین ۱۷-۱۵ به ندای تقدس یا شجاعت به لرزه در می‌آیند و آرزو می‌کنند جهان را از نو تشکیل دهند، بدی را محو و ناپود سازند، عدالت مطلق را حکمفرما سازند. [۱].

چنین بیداری خود عامل سوق دهنده فرد است به سوی مذهب. او در جاده مذهب است و نیازمند محرک مناسبی است

[صفحه ۵۰]

تا او را به حرکت وادارد و یا حرکت و مسیر او را تسریع کند.

[۱] بلوغ صفحه ۱۲۲.

رشد تفکر

به نظر روانشناسان از حدود ۱۲ سالگی، تفکر وارد مرحله حیات ذهنی، صوری (رسمی) می‌شود، نوعی اشتغال قبلی او را وامی‌دارد که به ساده‌ترین راه برسد. به گفته عالمی همانطور که بچه‌ها بزرگ می‌شوند افق‌های روانی و فکری به تدریج توسعه می‌یابد و این توسعه خصوصاً هنگامی که وارد مرحله بلوغ می‌شوند قابل توجه است. [۱].

این رشد فکری با توجه به زمینه‌های دیگری که در نوجوان دیده می‌شود می‌تواند زمینه و موجبی باشد برای هدایت آن به سوی نماز و عبادت و این به شرطی است که مربی آگاهی در مسیر باشد و رشد سیر او را زیر نظر و تحت اداره و مراقبت گیرد.

[۱] سیری در بلوغ صفحه ۱۳۲.

مرحله اسوه جوئی

نوجوان در این مرحله در جستجوی مدل و اسوه است. می‌خواهد فردی پیدا کند که از نظر صفات و ویژگی‌ها بر طبق مذاق او و مؤید زمینه‌های درونی او باشد. او را قانع و راضی سازد. این امر بدان خاطر است که او خود را در خور ورود به عرصه حیات اجتماعی می‌بیند، می‌خواهد مورد پذیرش قرار گیرد، مورد توجه و احترام باشد، غرور او اقناع گردد. در میان سرها، سری برافراشته داشته باشد، برای او در جامعه حسابی باز باشد

[صفحه ۵۱]

...

حال اگر نمونه و مدل درستی در سر راه او قرار گیرد خود را بدان وابسته می‌سازد و از او الگو می‌گیرد و اگر الگوئی نادرست در سر راه او باشد به همان سو گرایش خواهد یافت. به همین دلیل اسوه‌های مورد تأیید مکتب در جامعه بیشتر باید مورد تبلیغ قرار گیرند و معرفی گردند.

بیداری حس اخلاقی

او در این سن برای پذیرش نظم و انضباط آگاهی دارد. ورود به دنیائی که در آن با ضوابط رفتاری و عملکرد دیگران همگام باشد. از جنبه‌های مربوط به اخلاق وفاداری، ستایش و سپاس نسبت به فرد یا افرادی است که برای او خدمتی انجام داده‌اند.

اگر بتوانیم او را متوجه این مسئله کنیم که هستی او با همه ابعادش در گرو لطف و عنایت خدائی است و خداست که او را بزرگ کرده، رشدش داده، انعامش نموده، به او غذا داده، گرما و حرارتش بخشیده، آبرویش داده و... بدان سوی گرایش پیدا می‌کند و بر اساس اصل خود پیروی به پیش می‌رود از نظر ما بیداری اخلاق در نوجوان از بهترین و قوی‌ترین پایگاه تربیتی برای هدایت این نسل به عبادت است و باید ضمن پایه قرار دادن آن، برنامه تربیت را بر آن اساس استوار سازند.

زمینه‌های دیگر

علاوه بر موارد فوق چه بسیارند زمینه‌هایی که در نوجوان وجود دارند که مربی با استفاده از آنها می‌تواند نوجوان را به سوی عبادت و نماز جهت دهد مثل:

[صفحه ۵۲]

- خواستاری ارضای تمنیّات معنوی و مافوق طبیعت
 - تحقق آرزوها و خواسته‌هایی که برآورده کردن آن را جز از خدا نمی‌تواند توقع داشته باشد.
 - خواستاری پی بردن به اسرار و حقایق جهان آفرینش و رمز و راز آن
 - میل به داشتن آرامش و سکونی که از شرایط حیات اوست و در غیر اینصورت احساس ناامنی و اضطراب خواب راحت را از چشم او می‌ستاند.
 - خواستاری هدایت عقلانی زیرا که خود او هم به این نتیجه می‌رسد که: لا یزالُ العَقلُ وَ الحُملُ یُنغالبانِ اِلی ثَمانیَ عَشَرَ سَنَةً فَإِذَا بَلَغَهَا غَلَبَ عَلَیْهِ أَكْثَرُهُما فِیه. [۱] و...
- [۱] بحارج ۱ کمپانی صفحه ۳۳۰.

پرهیزها در این راه

در زمینه توجه دادن نوجوانان به نماز، والدین و مربیان وظیفه دارند از اقدام به مسائل و اموری بپرهیزند که اهم آنها عبارتند از:

- عدم تحمیل عقیده اگر چه تحمیل در عمل باشد. در اسلام تحمیل عقیده نداریم (لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ) [۱] ولی تحمیل در عمل می تواند باشد تا در سایه آن کراهت در عمل از میان برود (اَكْرَهٌ

[صفحه ۵۳]

نَفْسَكَ عَلَى الْفَضَائِلِ) [۲].

- جریحه دار کردن عواطف مثل افشاگری، رسواکردن ها، تحقیر و تخطئه، نیشخند زدن ها
- امر و نهی شدید و تذکرات مکرر نیشدار تا زمینه ی ایجاد روح مقاومت در فرد فراهم نگردد.
- به خود رها کردن و به خود وانهادن او که در آن صورت قبح ترک وظیفه از میان می رود.
- تنبیه بدنی، آن هم در حضور جمع که شعله سرکشی و عصیان را شدیدتر خواهد کرد.

[صفحه ۵۴]

الصَّلَاةُ مِنْ شَرَائِعِ الدِّينِ وَ فِيهَا مَرْضَاةُ الرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ فَهِيَ مِنْهَاجُ الْاَنْبِيَاءِ
نماز از راههای اثبات دینداری است و در آن رضای پروردگار بزرگ و راه پیامبران است.
رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

[صفحه ۵۵]

الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ
نماز دژی استوار در برابر تهاجم و وسوسه های شیطان است.

امام علی علیه السلام

[صفحه ۵۶]

إِنَّ طَاعَةَ اللَّهِ خِدْمَتُهُ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ شَيْءٌ مِّنْ خِدْمَتِهِ يَعْدِلُ الصَّلَاةَ

پیروی و اطاعت از پروردگار خدمت کردن به او در زمین است و هیچ چیز در خدمت به پروردگار معادل نماز نیست.

امام صادق علیه السلام

[۱] آیه ۲۵۶ سوره بقره.

[۲] علی (ع) جوان ج ۲.